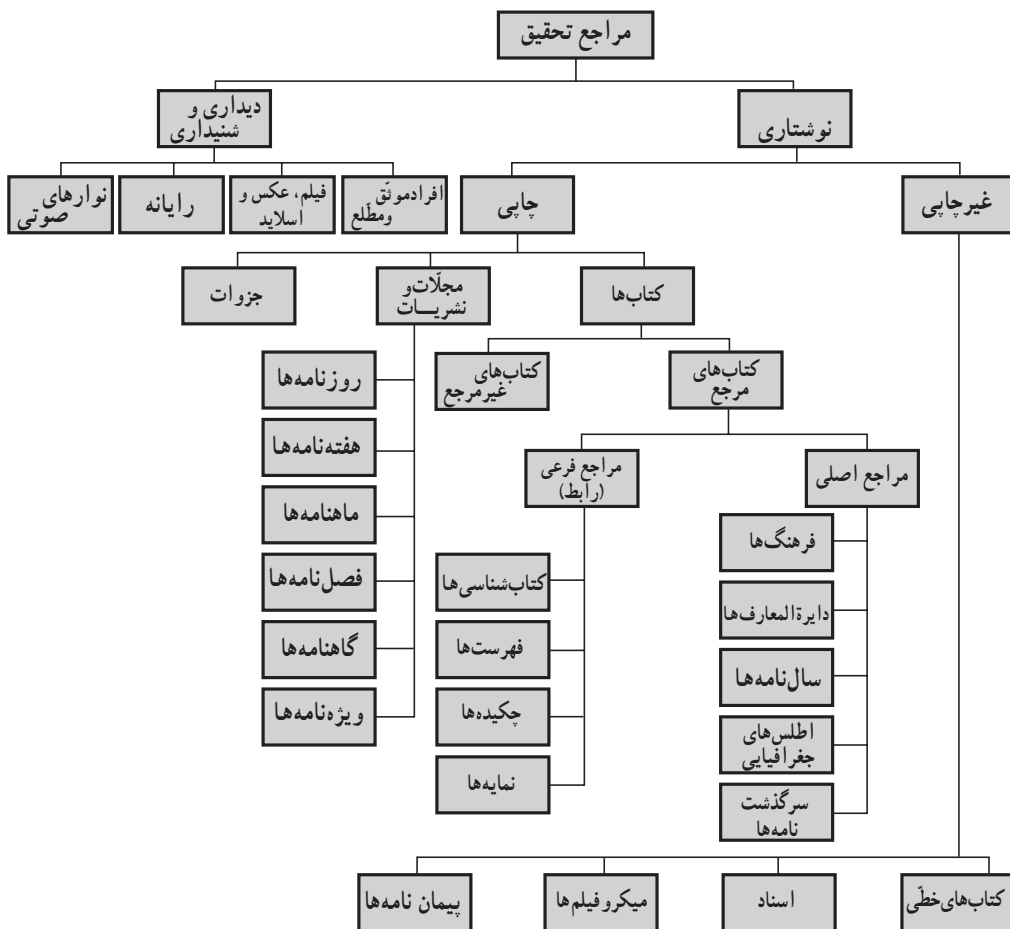


مرجع شناسی

به نمودار مرجع شناسی توجه کنید :



در سال گذشته، با بخشی از کتاب‌های مرجع اصلی چون فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها آشنا شدید. اکنون شما را با برخی دیگر از مراجع تحقیق آشنا می‌کنیم.

□ دایرةالمعارف‌ها

به مجموعه‌ای که شامل همه‌ی رشته‌های دانش انسانی یا رشته‌ای معین باشد، دایرةالمعارف می‌گویند. دایرةالمعارف از منابع اصلی تحقیق به شمار می‌آید. آثاری چون احصاء العلوم فارابی و الفهرست ابن ندیم که نوعی دایرةالمعارف چند دانشی هستند، قرن‌ها پیش نوشته شده‌اند.

تألیف دایرةالمعارف به شیوه‌ی نوین آن، ابتدا در قرن هفدهم در اروپا رواج یافت. این کار در ایران از پنجاه سال پیش با ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام به کمک گروهی از دانشمندان آغاز شد. دایرةالمعارف‌های مهم فارسی عبارت‌اند از:

۱) دایرةالمعارف فارسی: این اثر به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب و با

همکاری ۴۳ تن از نویسندگان، در سه مجلد به چاپ رسید. از ویژگی‌های دایرةالمعارف فارسی، دقت، ابتکار، نوجویی و انتخاب واژگان فارسی است.

گسترش خصوصیات یک فرهنگ را، از طریق تماس مستقیم یا غیر مستقیم، حیثاً، گروهای مختلف، انتشار آن مینامند. سرزمینی که در داخل آن بتوان معنی از خصوصیات یک فرهنگ را یافت یعنی، فرهنگی خوانده میشود.

در مردمشناسی، برای توجیه طرز عمل درونی فرهنگها، و گسترش و تکامل خصوصیات آنها، مکتبهای کوفه‌گویی پیدا شده است. ولی همه‌ی مردمشناسان، به یک تسلسل تکاملی وسیع در تاریخ فرهنگی بشر، خاصه در زمینهای فنی و انحصاری، اعتقاد دارند. این مراحل تکامل، در همه جا همزمان صورت نگرفته است. و همه‌ی فرهنگها هم همه‌ی این مراحل را طی نکرده‌اند، بلکه گاه، از طریق هم‌فرهنگی، جهشی از یک یا چند مرحله صورت میگیرد. مرحله‌ی نخستین مرحله‌ی خوراکیستی است، که در آن دسته‌های کوچک مهاجر، مانند شکارچیان و ماهیگیران و میوه‌چینان، برای یافتن خوراک از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر کوچ میکنند، و در نهارها با پناهنکهای موقت سکنی دیگر میکنند، چنانکه در عصر حجر قدیم و حجر متوسط چنین بوده است. مرحله‌ی بعدی مرحله‌ی خوراکسازی است، که در آن انسان اهالی گردن جانوران و گیاهان را آموخته و در آبراههای کوچک مسکن مسکن میکرد. نمونه‌ای از آن فرهنگ عصر حجر جدید است، پس از این مرحله، نوبت شهرنشینی رسیده است. بدان گونه که در تمدنهای بزرگ تاریخی از آن مشهود است. در طبقه‌بندی یک فرهنگ معاصر بر حسب مرحله‌ی آن که در آن است تنها نباید سطح فنی و صنعتی آن را در نظر گرفت. مثلاً خوراکیویان امروز، مانند بومیان اصلی استرالیا، را نباید با شکارچیان ۲۵۰۰۰۰ سال قبل در عصر حجر قدیم یکسان شمرد. زیرا، مثلاً، نظام خویشاوندی و دین در عصر حجر قدیم به احتمال قوی به صورت دیگری بوده است.

فرهنگها (farhang). در مردمشناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه. استعمال علمی کلمه‌ی انگلیسی «مادل فرهنگ» در اواخر قرن ۱۹ م به توسط سر ا. ب. کالمر برقرار شد. مفهوم فرهنگ چندین سوختن بوده است که آن را نوسه داده در سایر علوم اجتماعی و در ادبیات و در علوم زینتی نیز به کار می‌برند. از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ مایه‌ی تمایز انسان از گروههای حیوانی بوده است. آداب و عادات و اندیشه‌ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا میکنند، و این انتقال، بیش از آنکه از راه وراثت باشد، از راه آموختن است. پیروی از این آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ انتظام پیدا میکند. زبان و وسیله‌های نمادی دیگر عوامل اصلی انتقال فرهنگ‌اند. ولی بسیاری از رفتارها تنها از طریق تجربه حاصل میشود. هر جامعه برای خود الگوی خاص از کلیات فرهنگی دارد، که سازمانهای ضروری، مانند سازمان اجتماعی، دین، اختمان سیاسی، سازمان اقتصادی، و فرهنگ مادی (آزارها، سلاحها، آتیه) را شامل میشود. درجه‌ی پیچیدگی سازمان فرهنگی وسیله‌ای برای تشخیص دادن جامعه‌های «متنحین» از جامعه‌های «ابتدایی» است، ولی در این دو اصطلاح همیشه جنبه‌ی نسبیّت را باید در نظر داشت. اساساً، هر گروه انسانی فرهنگ متحصص خود را دارد. ولی جامعه‌ی معاصر و پیچیده ممکن است فرهنگهای فرعی نیز داشته باشد، که از منشا ملی و دین و اوضاع اجتماعی حاصل میشود. بر عکس، از طریق تماسهای سطح آمیز یا فیزی فرهنگی، ممکن است یک فرهنگ مشترک مورد قبول چند جامعه‌ی مختلف قرار گیرد. این عمل متنحن همفرهنگی است، و آن فرایندی است که به وسیله‌ی آن اعضای یک گروه آداب و عادات گروه دیگر را میپذیرند.

۲) دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام: در سال ۱۳۴۸ با همت احسان یار شاطر ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام آغاز شد و بخشی از مقالات حرف «الف» آن نیز به چاپ رسید. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، این کار متوقف شد. پس از انقلاب، کار تدوین این دانش‌نامه به زبان انگلیسی در دانشگاه کلمبیا (نیویورک) دنبال شد و هم‌چنان ادامه دارد.

فرمانروای بلخ بود و از تخت و تاج دست‌کشید تا زندگی زاهدانه بپوشید. چنین نظریه‌ی ساده‌گانه این پندار هیچگونه مبنای تاریخی نداشته باشد. نخستین مأخذی که به او مقام شهرداری می‌دهد شلمی (سبوی) ۱۳/۲۱۶ (۱۰۶۰) است و اما افسانه بودن روایت او از اینجا به‌پوشی آشکار می‌شود که شامل شرحی درباره‌ی برخورد ابراهیم ادهم با خضر یخسبر جاودانی است؛ ولی از زمان سلمی بی‌جهت این افسانه در شرح‌های مربوط به زندگی ابراهیم سخت ریشه گرفته است. این حکایات عموماً تغییر عقاید یا توبه او را با کناره‌گیری (ارباب‌ت) ارتباط می‌دهند. شرح این وقایع را می‌توان تحت قریب به ده مضمون طبقه‌بندی کرد: مثلاً «بیکارگدایی را در سایه‌ی قصر نسته دیده»، و پس از اندیختن در باره‌ی رضای سخن او، توبه کرد؛ و با خضر در هیئت یکدیگر پذیر او را از ناپایداری جهان برحذر دانست. معروفترین این مضامین ضمناً قدیمترین آنهاست و در کتابیادی (۱۰۸) یافت می‌شود و (در ترجمه‌ی آرزبری) بدین مضمون است: «... برای شکاز بقصد تفریح بیرون رفت، و صدائی او را بنام خوانند و گفت تو برای این کار آوریده نشدای، و نیز چنین کاری به تو امر نشده است». عهد دوباره به‌گوشی او رسید و پارس سوم آنرا از قاج زین خود شنید. انگله ابراهیم گفت و پیدا از این پس تا زمانی که خدا مرا از گناه حفظ کند از او ناامیدی نخواهم کرد.»

در اینجا باید یادآور شد که این فرضیه که تغییر عقاید ابراهیم از سرگشت بود اقتباس شده (این فرضیه را نخستین بار گلدتسمیر مطرح کرده است. «مجلة انجمن سلطنتی آسیائی» ۱۹۰۴، ۳-۱۳۲) چند بار مورد تردید قرار گرفته (مثلاً «مسیحیت»، «تحقیق در مبادی...» و پاریس، ۱۹۲۴، ۲۴۱) و زینر «تصوف هندو و مسلمان»، لندن، ۱۹۶۰، ۲۱۰) و شاید دیگر نباید پذیرفته شود.

مهاجرت ابراهیم از بلخ به‌عنوان «کابل» محرز است و افسانه‌های گوناگون متعدد درباره‌ی تغییر عقاید او انگیزه او را به این مهاجرت توجیه می‌کند. ولی یکه‌اشاوه اجمالی در این عساکر (۱۹۸) احتمال جالب دیگری را برای مهاجرت ابراهیم به‌عنوان می‌گذرد. این عساکر روایت می‌کند که «ابراهیم بن ادهم که از ابوسلم پیگریخت به اتفاق جهضم خراسان را ترک‌گفت، و به ثمر رفت تا در آنجا زیست کند...» (بهاره/ ۱۳۱۱) در تأیید این روایت می‌گوید که جهضم (بن عبدالله التیمی) در همین زمان بلخ را ترک‌گفت، و هیچگونه تناقضی از نظر زمانی میان قیام ابوسلم * (۶۴۷/۱۲۹) و الخلاعی که از

ابراهیم بن ادهم بن منصور بن یزید بن جابر (ابو اسحق) جبلی، یکی از مشاهیر صوفیان در قرن دوم هجرت. وی در بلخ، در خراسان، در یک خانواده‌ی کوفی از طایفه تکرین وایل زاده شد. تاریخ مرگ او در معتبرترین مأخذ ۷۷۸/۱۶۱ ذکر شده است.

ابراهیم بن ادهم در افسانه‌های متأخرتر به‌خصوص به زهد و ریاضت شهرت یافته است. تیکلسن او را «اصولاً یک زاهد و مروتی وارسته و در سن حال متوجه زندگی توصیف کرده است که از حد فاصل میان زهد و تصوف گام فراتر ننهاده بود. ابراهیم بسبب سخاوت خود - که در داستان‌های بیشمار درباره‌ی نیکباییش به‌دست‌نشان نقل شده و همچنین به‌علت کثرت نفسی که بازندگی ضاهراً برتجمل دوران شباب او بی‌اندازه مغایرت داشت، به‌خصوص ذهن صوفیان سلف‌های پسند را به‌خود جلب کرد.

از روی مأخذ قدیمتر عربی بویژه ابونعیم اصفهانی و این عساکر می‌توان خطوط برجسته‌ی زندگی او را ترسیم کرد: ابراهیم در یک جماعت عرب مقیم بلخ در حدود ۱۱۳/۷۳. با بنایب زودتر متولد شد، و در زمانی بیش از ۱۳۷/۷۴ از خراسان به شام مهاجرت کرد. در یثرب مدت حیات خود فاندازه‌ای بسبب دیدن تشنه‌ی غالباً در آن ناحیه که از شمال تا رود شیحان و از جنوب تا غزه امتداد داشت می‌زیست. در پیوستگی را تاروا میسرود، و برای معیشت انکلا به بازاری خوشی داشت، و مثلاً دروگری و خوشه‌چینی با خوشگویی یا باغبانی می‌کرد. علاوه بر این کارها، گویا در عملیات نظامی در سرحد شام برقه دولت بیزانس نیز شرکت داشت. قلعه‌های مرزی ثمور (در شمال شام، در ترکیه کنونی) گزارش در حکایات ذکر شده است. می‌گویند که او در دو لبرکنسی زمینی و دولسکرکنسی دریائی برضد بیزانس شرکت کرد و در لبرکنسی دوم دریائی بسبب بیماری شکم، درگشت (ابونعیم، هفتم، ۳۸۸). چگونگی مرگ او با شرح مبسوطی که این عساکر (۱۹۹) درباره‌ی آن آورده است تأیید می‌شود. بنا بر روایتی، ابراهیم در یک جزیره بیزانسی نزدیک قلعه‌ای بنام سوفین یا سوفن مدفون گردید. بنا بر روایتی دیگر وفات او در مصر روی داد.

در روایات کم اعتبارتر گوناگون دیگر مقبره او در صور، در بغداد، در دمشق، در شهر لوطه (= کفر قریک)، در غار ارمیه در نزدیکی اورشلیم، و بالاخره، برطبق روایتی که اغلب ذکر می‌شود، در بنبله واقع در ساحل شام ذکر شده است (هروی، [وزارات]، ۲۹، ۲۳). در افسانه‌ها غالباً ذکر شده است که ابراهیم بن ادهم

۳) دانش‌نامه‌ی جهان اسلام: در سال ۱۳۶۲ به دعوت حضرت آیت... خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) گروهی از دانشمندان و نویسندگان در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی گردآمدند و کار تدوین این دانش‌نامه را از حرف «ب» آغاز کردند.

بدیهه، گفتن سخن یا شمری بدون تفکر و آمادگی قبلی. واژه ارتحال نیز به معنی «به بدیهه شعر با سخن گفتن و بدیهه سرایه است. بدیهه از ریشهٔ «بَدَأ» (آغاز کردن) است که در آن ۱۵۰۰۰ جایگزین همزه شده است و ارتحال به معنای آسان بود و به سوزی پایین جاری بودن است که از اصطلاح و شعر «زَجَلْهُ» (موی هرو افتاده) یا «ارتحال اشرف» (دور رفتن به جاده سا پای خود و بدون استفاده از طناب) مستفاد شده است. در تفاوت ارتحال و بدیهه، گفته‌اند که در ارتحال شاعر شعر خود را از قلیل آماده نمی‌کند، ولی در بدیهه چند لحظه به تعکیر می‌پردازد. از دیگر مترادفات ارتحال که در فرهنگها آمده فقط واژهٔ انقباض به کار می‌رود (د.اسلام، ذیل «ارتحال»). حفایان ارتحال و بدیهه «رویت و حکرت» (مدینه) است.

در میان عربها از دوران پیش از اسلام بدیهه سرایی مرسوم و پسندیده بوده است. در میان ایرانیان نیز بدیهه سرایی نشانهٔ طبع و فرجهٔ شاعری و سخنور در آن بوده است. شعرخوانی از روزگار قدیم در آیینهای رسمی، جشنهای حصری مانند جشن عروسی و در عصر حدیث حشمتی سالیانهٔ مدارس و نیز مجالس ترحیب رواج داشته است. برای این مواقع اشعار مناسب تصنیف می‌کرده یا می‌مجلس می‌سوده‌اند و نیز قطعاتی از اشعار قدما را می‌خوانده‌اند. و همین رسمه سبب آفرایش حجم دیوان بسیاری از شاعران شده است (پروینکا، ذیل «بدیهه سرایی»).

به گفتهٔ مقامی عروسی (ص ۵۷) بدیهه، رکن اصلاعی هنر شاعری است و شعرا به واسطهٔ بدیهه گویی بنیادشهای بسیار یافته‌اند. نظامی حکایات رباعی دربارهٔ بدیهه سرایی نقل کرده که مشهورترین و قریبترین آنها دربارهٔ بدیهه گویی رودکی است که چون اقامت امیرنصیر سامانی در هرات طولانی شده اطرافیان امیرنصیر که آرزومند بارگشت به دیار بودند از رودکی خواستند که ما سرودن شمری امیر را به بازگشت به بخارا ترغیب کند، و رودکی نیز شعر «بوی جوی مولیان» را سرود و امیر چون شنید، چنان حاشی دگرگون شد که بدون کفش پای در رکاب آورد و روی به بخارا نهاد. ازینو نظامی گوید آن اقبالی که رودکی در آن

سامان دید از بدیهه سرایی بود (ص ۵۲-۵۳). از دیگر حکایات نظامی حکایت بدیهه سرایی عنصری است که چون سلطان محمود در حالت منگی فرمان داد تا ایاز گیسوی خود را برود. روز بعد پشیمان و بدحال شد. سرانجام عنصری با سرودن یک رباعی به بدیهه، خاطر او را خوش ساخت (ص ۵۵-۵۷). همچنین نظامی چند رباعی از بدیهیات معری، ازرقی و رشیدی نقل کرده (ص ۶۸-۶۹، ۷۰-۷۱، ۷۴) سپس دربارهٔ بدیهه سرایی خود حکایتی آورده که به فحوی آن، در فرضی کوتاه، یعنی میان دو بار گردش ساغر در خدمت ملک حبیبان، پنج بیت «مفروق» به اتفاق عذت و مشحون به مانی بکره سروده است (ص ۸۵-۸۶).

جامی (ص ۸۶) نیز در باب بدیهه گویی فردوسی حکایتی نقل کرده است که در مجلس سلطان محمود عنصری و فرخی و عسجدی برای تحقیر فردوسی که از شاعران درباری نبوده است، به اتفاق سه مصراع می‌گویند که رابع نداشتن ساند، فردوسی به محض شنیدن آن سه مصراع، مصراع چهارم را بر بدیهه می‌سازد و آنان از طبع او متحیر می‌شوند.

دربارهٔ قاضی سبزه گشته‌اند که سامند عیدی، دیر هنگام، از غریب برخاست و از آنجا که شعری برای تهنیت عید نسروده بود، «عجبه کاغذی برداشت تا در میانهٔ راه نصیحه‌ای برسراید و چون مجال نوشتن نیافت آنرا به خاطر سپرد و در مجلس شاه خواند (حمیدی شیرازی، ص ۱۱۷).

در میان شاعران بدیهه‌سرا در قرن اخیر می‌توان از ملک الشعراء، عمار، لطفعلی صورتگر، محمد حسین شهریار، و اراهیم مهنا نام برد.

منابع: عیدر محمد بن احمد، بهارستان، چاپ است. تهران ۱۳۶۸ ش؛ مهدی حسینی شادرواری، شعر در عصر قاجار، تهران ۱۳۶۶ ش؛ «ص ۱۰۰، ص ۱۰۱، چهار مقاله، چاپ محمد معنی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ *Et. av. "Istiq'at" (by S. A. Bonehakar): Encyclopaedia Iranica, s.v. "Badiha - makt" (by F. R. C. Hagley).*

!اسماعیل حاکمی /

برخی از فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های تخصصی مربوط به ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

* فرهنگ معارف اسلامی، دکتر سیدجعفر سجّادی، شرکت مؤلفان و مترجمان

* دایرةالمعارف ادبی، عبدالحسین سعیدیان، تهران ۱۳۵۲.

* فرهنگ سخنوران، عبدالرّسول خیّام‌پور، تبریز، ۱۳۴۰.

□ اطلس‌ها

مجموعه‌ای از نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارهایی که به طور منظم فراهم آمده و بیان‌کننده موضوع خاصی هستند، اطلس نامیده می‌شوند. اطلس‌ها به ما کمک می‌کنند تا موقعیت جغرافیای گذشته یا کنونی هر مکان را روی نقشه‌ها پیدا کنیم.



مشهورترین اطلس‌های موجود عبارت‌اند از :

- ۱) اطلس تاریخی اسلام، تألیف هری. و. هازارد^۱، ترجمه‌ی محمود عرفان (از روی چاپ سوم آن که در سال ۱۹۵۳ به وسیله‌ی دانشگاه پرینستون انتشار یافته است).
- ۲) اطلس تاریخی ایران، تألیف چهارده تن از استادان تاریخ و زبان و ادبیات، سال ۱۳۵۰ (به دو زبان انگلیسی و فارسی)، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- ۳) اطلس معاصر گیتاشناسی، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴) اطلس اقلیمی ایران، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

□ زندگی‌نامه‌ها

زندگی‌نامه، شرح تاریخ زندگی یا دوره‌ای از زندگی افراد در حدود اطلاعاتی است که نویسنده‌ی زندگی‌نامه از احوال آن‌ها داشته است. در سال‌های پیش با حسب حال و زندگی‌نامه آشنا شدید. برخی زندگی‌نامه‌ها عمومی و برخی خاص فرد یا افرادی هستند. زمان، مکان و سطح زندگی‌نامه‌ها نیز متفاوت است. برخی از زندگی‌نامه‌های خاص ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

- ۱) ریحانة‌الادب، محمدعلی مدرّسی تبریزی (۶ جلد)، تبریز
- ۲) نامه‌ی دانشوران، جمعی از نویسندگان، زندگی‌نامه‌ی علما، دانشمندان، محدثان

و ...

۳) مجمع‌الفصحا، رضا قلی‌خان هدایت، شرح حال هفتصدتن از شاعران، به تصحیح دکتر مظاهر مصفاً

۴) تاریخ رجال ایران، مهدی بامداد، شرح حال رجال سیاسی ایران در قرن ۱۲ تا ۱۴ هجری قمری^۲

۱- Harry. W. hazard

۲) علاوه بر کتاب‌های معرفی شده، زندگی‌نامه‌های زیر نیز از اهمیت به سزایی برخوردارند :

□ حیات مردان نامی، بلوتارک، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲ ←

□ منابع فرعی

منابع فرعی یا رابط منابعی هستند که خود به طور مستقیم در تحقیق به کار نمی آیند بلکه به وسیله‌ی آن‌ها می‌توانیم به منابع معتبر و موضوعات مورد نظر دسترسی پیدا کنیم. فهرست‌ها، کتاب‌شناسی‌ها و چکیده‌ها از این دسته‌اند. مهم‌ترین منابع فرعی موجود عبارت‌اند از:

□ فهرست کتاب‌های چاپی، تألیف خان بابامشار، شامل فهرست الفبایی کتاب‌های

منتشر شده تا سال ۱۳۴۵

□ نمایه: نرم‌افزاری است که موسسه‌ی فرهنگی و اطلاع‌رسانی «نمایه» با نظارت

کتاب‌خانه‌های عمومی کشور، تولید کرده‌است. بزرگ‌ترین بانک مطالب نشریات کشور را در اختیار دارد و دستیابی زود و آسان به اطلاعات مقاله شناختی ده‌ها هزار مقاله، نقد و گفت‌وگو را با انواع جست‌وجوهای پیشرفته فراهم می‌کند.

مهم‌ترین قابلیت این نرم‌افزار، دسترسی به متن‌های این مقالات است. در تمام

کتاب‌خانه‌های عمومی و بسیاری از مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی، شما می‌توانید از این نرم‌افزار، استفاده کنید.



□ فهرست مقالات فارسی، به کوشش ایرج افشار

که تاکنون پنج جلد آن چاپ شده است. این مجموعه، مقالات چاپی مطبوعات کشور را از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۰ شامل می‌شود. شیوه‌ی تنظیم آن موضوعی است.

□ فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات

ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که از سال ۱۳۶۱ تاکنون تمامی مقالات مطبوعات را فهرست کرده است.

→

□ بزرگان فلسفه، توماس هنری، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸

□ فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، به سرپرستی حسن انوشه، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹

□ زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (پنج جلد) (۱۳۲۰-۱۲۹۸)، حسن مرسلوند، نشر الهام، ۱۳۷۴

□ شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، زوآر، چاپ دوم، ۱۳۷۰

□ فهرست نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، کتابخانه‌ی ملی ملک، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی آیت‌... مرعشی نجفی، کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و ... که بالغ بر یکصد مجلد آن‌ها تاکنون چاپ شده است. این مجموعه، فهرست تفصیلی نسخه‌های خطی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. علاوه بر کتاب‌شناسی‌های عمومی، کتاب‌شناسی‌های خاص نیز وجود دارند که تنها به یک موضوع می‌پردازند؛ مثل:

۱) کتاب‌شناسی تمدن ایران ۳۰ جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱

۲) کتاب‌شناسی حقوق، حمید مقدم، تبریز، ۱۳۷۲

۳) کتاب‌شناسی فردوسی، ایرج افشار.

۴) کتاب‌شناسی شعر نو، میمنت میرصادقی.

□ منابع دیداری و شنیداری

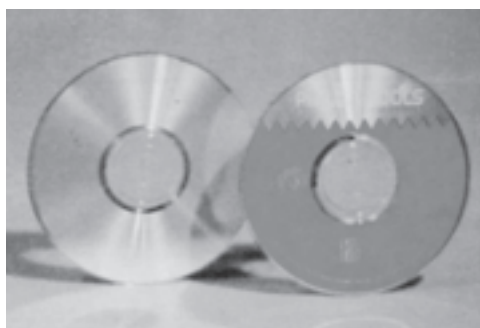
با پیشرفت صنعت و فن‌آوری و گسترش فنون ارتباطات، اکنون رسانه‌های دیداری و شنیداری مثل نوارهای صوتی، لوح‌های فشرده (دیسکت)، نوارهای فیلم، عکس، اسلاید، میکروفیلم^۱ و رایانه به کمک محققان آمده‌اند تا سرعت و دقت پژوهش‌ها را افزایش دهند.



در سال‌های اخیر، آنچه بیش از همه بر روند تحقیقات تأثیر گذاشته، منابع رایانه‌ای است. تا آن‌جا که این منابع، در زمره‌ی منابع مهم تحقیق درآمده‌اند. این وسیله می‌تواند تمامی اطلاعات مربوط به کلیه‌ی منابع تحقیق از جمله فهرست‌ها، کتاب‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها و ... را بر روی لوح

۱) کتابخانه‌های معتبر برای حفاظت از اسناد مهم چاپی و خطی، از آن‌ها عکس برداری می‌کنند و فیلم آن‌ها را در اندازه‌های کوچک در اختیار محققان قرار می‌دهند.

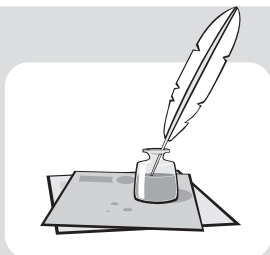
فشرده (دیسکت) ضبط کند و آن‌ها را در کم‌ترین حجم و کوتاه‌ترین زمان، هر موقع که بخواهیم در اختیار ما بگذارد. یکی از جدیدترین روش‌های ذخیره‌سازی داده‌ها، ذخیره‌سازی نوری است.



لوح فشرده‌ی نوری با ظرفیت گسترده‌ی ذخیره‌سازی خود قادر است صدها هزار صفحه اطلاعات را فقط بر روی یک صفحه‌ی کوچک ضبط کند؛ برای مثال، اکنون تمامی لغت‌نامه‌ی دهخدا روی یک لوح فشرده ضبط شده است. رایانه‌ها، علاوه بر تصویر، صدا را نیز ذخیره و بازیابی می‌کنند؛ برای مثال، یک لوح فشرده که حاوی اطلاعات جامعی درباره‌ی جغرافیای سیاسی و طبیعی و انسانی است، می‌تواند هنگامی که پرچم یک کشور را نشان می‌دهد، سرود ملی یا موسیقی خاص آن کشور را نیز پخش کند.

امروزه شبکه‌ی وسیع اینترنت، مراکز اطلاعاتی سراسر دنیا را از طریق رایانه‌های شخصی به هم وصل کرده است و شما می‌توانید با در اختیار داشتن یک دستگاه رایانه‌ی شخصی، با همه‌ی مراکز اطلاعات مهم در سراسر جهان ارتباط برقرار کنید و اطلاعات فراوانی به دست آورید.

در روزگار ما، تمامی کتابخانه‌های دنیا به این سیستم اطلاع‌رسانی مجهز شده‌اند. چنان‌که یک فرد می‌تواند تمامی اطلاعات را درباره‌ی موضوع مورد مطالعه‌ی خود، از طریق رایانه کسب کند. حتی بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ و مهم از این طریق به هم وصل شده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند از امکانات این کتابخانه‌ها در محل خود نیز استفاده کنند.



دو گروه واژه‌های زیر را با هم مقایسه کنید.

بدر شب‌پره

بشر شش‌پره

دو حرف «د» و «ت» در بشر به دلیل نزدیکی به هم برای سهولت تلفظ در

یک دیگر ادغام شده‌اند. هم‌چنین است «ب» و «پ» در شش‌پره. به این فرآیند

واجبی «ادغام» می‌گویند. نمونه‌ی دیگر:

زودتر زوتر

خودآزمایی

- ۱) از یک مرکز علمی، پژوهشی یا یک کتابخانه بازدید کرده، منابع تحقیق آن را طبق نمودار درس بررسی کنید. آن‌گاه، نتیجه را گزارش دهید.
- ۲) با مراجعه به یکی از منابع معرفی شده، آن را به کلاس بیاورید و بیشتر به هم‌کلاسان خود معرفی کنید.
- ۳) درس «چگونگی تصنیف گلستان» را از نظر دستور تاریخی بررسی کنید.